گفت‌وگو با دکتر مرتضی رئیسی، رییس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور

گفت‌وگو: فاطمه خرقانیان

مدرسه فقط یک ساختمان نیست

عکس: حمیدرضا همتی

مجلهٔ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی طی شماره‌های گذشته، به بررسی طراحی و معماری فضاهای آموزشی، متناسب با روش‌های نوین تدریس پرداخته است. از آن‌جا که سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور نقش اصلی را در طراحی و ساخت واحدهای آموزشی به عهده دارد، به سراغ دکتر مرتضی رئیسی، رییس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور رفتیم و از رویکردهای این سازمان در قبال چگونگی انعکاس تغییرات شیوه‌های نوین آموزشی در ساخت مدارس و چگونگی همسویی فضاهای آموزشی با شرایط روز تعلیم‌وتربیت و شیوه‌های جدید تدریس معلمان، جویا شدیم.

❍ سیاست‌های کلان سازمان در خصوص توسعه و نوسازی مدارس چیست؟

ما طی ۵ سال گذشته چند سیاست را پی گرفته‌ایم. موضوع اول استانداردسازی بوده است. سعی کرده‌ایم تمام استانداردهای فنی و مهندسی را در طراحی و اجرای فضاهای آموزشی و... به نحو مطلوب اعمال کنیم. موضوع دوم کم کردن مدارس خطرآفرین و مقاوم‌سازی آن خصوصاً در قبال زلزله است که تاکنون ۵۰ درصد هدف از نظر زیربنای مدارس تخریبی محقق شده و برنامه داریم طی ۳ سال آتی تمام مدارس تخریبی را حذف کنیم. موضوع سوم استفاده از ظرفیت‌های مردمی و خیرین مدرسه‌ساز است. امسال ۹۷۴میلیارد تومان تعهدات مردمی در امر مدرسه‌سازی داشته‌ایم که این امر تا حدی ناشی از سیاست‌های سازمان مبنی بر جذب حمایت‌های مردمی است. در عین حال، چند اولویت برای امسال و سال‌های آینده در نظر گرفته‌ایم. اولین مطلب توسعهٔ مکان‌های ورزشی و تأمین تجهیزات آن خصوصاً در مدارس دخترانه است. دومین مطلب به روز کردن تجهیزات مدارس و فراهم آوردن تجهیزات نوین آموزشی و کمک آموزشی برای مدارس و توجه بدان است. و مطلب سوم تأسیس مجتمع‌های آموزشی است؛ چرا که طی سال‌های گذشته با انجام کارهای مطالعاتی که در خصوص مدرسهٔ مطلوب انجام پذیرفت، به این نتیجه رسیدیم که تجمیع مدارس از جمله حرکت‌های مثبت در رسیدن به مدرسهٔ مطلوب است.

مدارس مهندسی‌ساز

❍ در طراحی و ساخت مدارس چه‌قدر علاقه و نیاز دانش‌آموز در نظر گرفته می‌شود؟ آیا از دانش‌آموزان نظرسنجی می‌شود که دوست دارند

مدیر مناطق و بعد مدیر مدرسه باید به این نقطه برسند که کلاس سکو لازم ندارد

محیطی که در آن قرار گرفته‌اند چه شکل و رنگی داشته باشد؟

همهٔ فضاهای آموزشی که در کشور ساخته می‌شود، طراحی آن توسط متخصصین انجام می‌گیرد. به عبارتی در طراحی فضاهای آموزشی مهندسین معماری حضور دارند که از تجربهٔ زیادی در نظام تعلیم‌وتربیت کشور برخوردارند و در حقیقت در سازمانی کار می‌کنند که وظیفه‌اش ساخت فضاهای آموزشی و پرورشی است. تجربیات و مطالعات انجام شده در معماری فضاهای آموزشی مانند استقرار فضاها، ترکیب رنگ‌ها و... ناظر بر علاقهٔ دانش‌آموزان است. بیش از ۳۵-۳۴ تحقیق دربارهٔ موضوعات مختلف شده است. مانند رنگ راهرو، شکل آزمایشگاه، چه رنگی برای چه جنسیتی بهتر است، تأثیر رنگ و معماری در فرایند یاددهی ـ یادگیری و... همهٔ این‌ها کار شده است. مهندسین ما واقعاً در این کار حرفه‌ای هستند.

❍ حرفه‌ای به چه معناست؟

یعنی علاوه بر این‌که اصول کلی مهندسی را می‌دانند، تخصص خاص در مسائل و نیازهای آموزشی دارند.

❍ چه‌قدر تعلیم‌وتربیت(education) خوانده‌اند؟

این‌ها از تحصیلات مهندسی برخوردار بوده و بخشی از تجربیات خود را در زمینهٔ تدریس فراگرفته‌اند.

❍ فوق‌لیسانس معماری یا سازه و مهندس ساختمان هستند. چه‌قدر افرادی که نگاه تعلیم و تربیتی داشته باشند و رویکردهای مختلف آموزشی را بشناسند، در تیم طراحی وجود دارند؟

شاید در دانشگاه‌های ما ضعف وجود داشته باشد. چون ما تخصص معماری فضاهای آموزشی یا ورزشی نداریم. از طرفی دانشجوی سال آخر معماری باید به شکل گرایشی کار کند. اما آن‌چه ما می‌توانیم ادعا کنیم این است که این مهندسی که فوق‌لیسانس گرفته، آمده و چند سال در محیط کار کرده و جزو بدنهٔ آموزش‌وپرورش شده و تدریس نیز داشته است و با همهٔ کسانی که در آموزش‌وپرورش فعال هستند، در ارتباط است.

❍ ولی در ساخت فضاهای آموزشی رویکرد، رویکرد مهندسی معماری است!

نه من واقعاً قبول ندارم. البته مهندسی هم مهم است و شما نمی‌توانید آن را کنار بگذارید. در حقیقت بحث فضاهای آموزشی میان رشته‌ای هستند. یعنی پیوندی بین مهندسی محض ساختمان و آموزش محسوب می‌شوند. این‌که مهندسین ما طراحی فضاهای آموزشی را در دانشگاه فراگرفته باشند، چنین چیزی در کشور نداریم و این یک نقص است. البته ما مهندسینی داریم که بیست و چند سال در این مجموعه کار کرده‌اند و فضا را می‌شناسند. لذا هر مهندسی که وارد مجموعه می‌شود، بعد از سه چهار سال به واسطهٔ تعاملات به صورت تجربی نیازها را درمی‌یابد. البته منابعی هم در اختیارشان قرار می‌گیرد.

مدرسهٔ ایرانی ـ معماری ایرانی

❍ به نظر می‌رسد رویکرد اصلی شما آموزشی نیست. شما در صحبت‌هایتان اشاره کردید برنامهٔ ۳ سال آینده‌تان این است که مدارس را

به امکانات نوین براساس استانداردهای جهانی تجهیز کنید. اما مبلمان و چیدمان کلاس‌های ما اصلاً برای این تجهیز مهیا نیست! کلاس‌های ما با فرم مشخص مستطیل شکلی است که حتماً یک ویدئوپروژکشن در بالا قرار می‌گیرد. وقتی سازه را می‌بینیم، متوجه می‌شویم که باز هم رویکرد عمرانی است.

از طرفی به من به عنوان یک معلم ابلاغ می‌شود که روش‌های نو به‌کار برم، کارهای گروهی را راه‌اندازی کنم و کارهای پژوهش‌مدار انجام دهم ولی حتی در دانشگاه ما میز و صندلی‌ها پیچ شده‌اند. یعنی من نمی‌توانم کارگروهی انجام دهم. من فکر می‌کنم سازمان نوسازی می‌تواند از دانشکده‌های مهندسی مطالبه داشته باشد که ما گرایشی این چنینی را وارد کنیم و اگر نه در طراحی‌های خود، این قضیه را مدنظر قرار دهند.

شما چندین همایش در زمینهٔ مدرسهٔ ایرانی ـ معماری ایرانی برگزار کرده‌اید، اما در آن‌جا هم ما رنگ و بوی تعلیم‌وتربیت را نمی‌بینیم. رنگ و بوی مهندسی و معماری بیشتر حس می‌شود و این معلم را دچار تعارض می‌کند. زیرا انتظاراتی وجود دارد اما فضا امکان تحقق انتظارات را نمی‌دهد. آیا من درست فهمیده‌ام؟

من صحبت‌های شما را رد نمی‌کنم. حد فاصل سال‌های ۶۷ تا ۷۵ ما فقط به دنبال ساختن کلاس بودیم. چون جمعیت دانش‌آموزی نزدیک به دو برابر شد و مهاجرت‌هایی که اتفاق افتاد باعث شد تا مدارس چند شیفتی داشته باشیم. لذا ما دنبال تولید کلاس با هر فرمی بودیم و عمدتاً هم همان فرم مستطیلی که شما اشاره کردید و شاید کیفیت فدا شد. منتها از سال ۸۵ به دنبال این بودیم تا اشتباه گذشته تکرار نشود. لذا روی دو محور کار کردیم. یکی استحکام‌بخشی که وظیفهٔ اصلی ما و قانون بود و دوم هم در معماری. ما واقعاً خودمان دست به کار شدیم و اولین همایش معماری مدارس را در کشور برگزار کردیم. بسیاری از مهندسان، دست‌اندرکاران آموزش‌وپرورش و حتی کسانی که فکر نمی‌کردند روزی آموزش‌وپرورش سراغشان برود، همه به همایش دعوت شدند. آن زمان تصور بر این بود که تا به حال آموزش‌وپرورش یک سری کارهای تیپ انجام می‌دهد. ما از سال ۸۵ تا ۸۹، پنج همایش مدرسهٔ ایرانی ـ معماری ایرانی برگزار کردیم. با اهداف متنوعی که بخشی از آن همان مسائلی است که شما مطرح کردید. در حقیقت ما این رویکرد را داشته‌ایم که طراحی‌هایی که صورت می‌گیرد متناسب با آن چیزی باشد که ما امروز از معلم می‌خواهیم. به هر حال، نمی‌شود که ساخت‌وساز و تجهیز ما به شکل دیگری باشد و رویکردهای جدیدی از معلم و مدیر طلب کنیم.

❍ شما هنوز در مدارس سکو می‌سازید، این نگاه کاملاً معلم محوری است. در حالی‌که از آن طرف به معلم تذکر داده می‌شود که باید دانش‌آموز محور باشد.

بعضی مسائل به دیدگاه مدیران آموزش‌وپرورش برمی‌گردد. این سکوهایی که می‌سازیم برای ما هزینه دارد. در حالی‌که هدف ما صرفه‌جویی در هزینه‌هاست. یعنی مدیر مناطق و بعد مدیر مدرسه باید به این نقطه برسند که کلاس سکو لازم ندارد.

❍ چه کسی باید به این نگاه برسد؟

این کار، کار فرهنگی است. ما فقط سازنده و طراح هستیم. منتها بعضی جاها مقاومت می‌شود. بعضی بدنهٔ آموزش‌وپرورش مثل مدیرانی که می‌خواهند مدرسه را تحویل بگیرند، می‌گویند بدون سکو تحویل نمی‌گیریم. در بعضی مدارس تریبون ثابت وجود داشت. چه‌قدر زحمت کشیده شد تا جا افتاد که این نیاز نیست. لذا وقتی وزارت‌خانه سیاست بزرگی را تدوین می‌کند، باید مدیران استان، مناطق و مدارس را توجیه کند. ما هنوز مسائلی در ساخت‌وساز مدارسمان داریم که در دنیا دیگر منسوخ شده است و قابل پذیرش نیست. ولی اگر المان‌هایی اجرا می‌شود که پذیرفته شده نیست، بعضاً شما بدانید که درصد عمدهٔ آن به مقاومتی که از طرف مدیران مناطق و مدارس وجود دارد بازمی‌گردد. ما دستگاه اجرایی هستیم و دستگاه بهره‌بردار مناطق آموزش‌وپرورش هستند.

❍ پس ما باید این موضوع را با چه نهادی مطرح کنیم؟ در رابطه با خیرین مدرسه‌ساز شما این قدرت مانور را دارید که به آن‌ها بگویید مدارس را براساس نقشه‌های تیپ موجود نسازید و این مسائل جدید آموزشی را هم لحاظ کنید.

شما اطمینان داشته باشید به جز مناطق خاصی در روستاها که مدارس خشت‌وگلی دارند و البته تعدادشان زیاد نیست، ممکن است طراحی تیپ باشد. در بقیهٔ مناطق کشور نقشه‌ها طراحی موردی می‌شوند. دقیقاً براساس ابعاد زمین، ظرفیتی که آموزش‌وپرورش اعلام می‌کند، نیاز منطقه، فرهنگ بومی و مسائل اقلیمی، طراحی صورت می‌پذیرد. یعنی طراحی تیپ را کاملاً کنار گذاشتیم. شاید ۶-۵ سال قبل هیچ مهندس مشاوری با مجموعهٔ ما کار نمی‌کرد، اما اکنون در استان‌ها ده‌ها بلکه صدها مهندس مشاور کار می‌کند. بعضی از مجتمع‌هایی که اشاره کردم، توسط بهترین مهندسین کشور که آوازه‌ای دارند، طراحی می‌شود. البته دنیای مهندسی انتهایی ندارد و ما ادعایی نداریم. روز به روز علم پیشرفت می‌کند و در نحوهٔ تعلیم‌وتربیت تغییر ایجاد می‌شود. ما داریم در این مسیر حرکت می‌کنیم و دوست داریم آن‌چه نیاز است، همان ساخته شود.

نمی‌شود که ساخت‌وساز و تجهیز ما به شکل دیگری باشد و رویکردهای جدیدی از معلم و مدیر طلب کنیم